فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۶، صفحات ۲۱۷-۱۸۹

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه (مورد مطالعه: شهروندان شهر ارومیه)

مجید وظیفه امندی[۱]، محمدباقر علیزاده اقدم[۲]، موسی سعادتی[۳]، محمد عباس‌زاده[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

چکیده

خشکی دریاچه ارومیه و تداوم آن می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری را بر طبیعت، اقتصاد، ساخت جمعیتی و در کل موجودیت منطقه وارد سازد. از این رو پژوهش حاضر نیز، با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ارتباط و پیوستگی شهروندان ارومیه با طبیعت دریاچه ارومیه نگاشته شده است. روش تحقیق، از نوع پیمایشی است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه نیز شامل کلیه‌ی شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر ارومیه می‌باشد که از این تعداد، ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی مطبق انتخاب شده‌اند. ابزار مورد استفاده در تحقیق حاضر، پرسشنامه بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیر ارتباط و پیوستگی شهروندان با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن رابطه‌ی معنی‌داری داشته است. همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که متغیرهای مستقل باقی مانده در مدل رگرسیونی توانسته‌اند ۲۴ درصد از تغییرات متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: ارتباط و پیوستگی با طبیعت،دریاچه‌ی ارومیه، سرمایه‌ی اجتماعی، حقوق شهروندی، رسانه

[۱] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه سلجوق ترکیه vazifem@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز aghdam1351@yahoo.com
[۳] دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) **saadati.22**45@yahoo.com
[۴] استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز m.abbaszadeh2014@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مقدمه

دریاچه‌ی ارومیه، بزرگ‌ترین دریاچه‌ی خاورمیانه، دومین دریاچه‌ی حاوی آب شور جهان و بزرگ‌ترین مکان زندگی آرتمیا در جهان می‌باشد که بنا به گفته‌ی کارشناسان و آمار و ارقام موجود در این زمینه و مشاهدات شخصی محقق، در معرض خطر خشک‌شدن می‌باشد. بر اساس آمار سال ۱۳۸۹، نمک فعلی موجود در آب این دریاچه ۳۶۴/۲۸ گرم در لیتر(فوق اشباع) بوده و سطح آب دریاچه در سال ۸۹ بسیار پایین‌تر از حداقل نیاز بیولوژیکی دریاچه می‌باشد. پایین‌آمدن سطح آب دریاچه باعث ایجاد شوره‌زار می‌شود که در شرایط فعلی منجر به ایجاد حدود ۱۵۰ هزار هکتار شوره زار شده است (اداره‌ی کل محیط زیست آذربایجان شرقی،۱۳۸۹:as.doe.ir).

بنا به گفته‌ی کارشناسان، با خشک‌شدن این دریاچه عواقب زیست‌محیطی چون تبدیل دریاچه به شوره‌زار، پاشیده‌شدن نمک مانده از بقایای دریاچه به مناطق اطراف، تهدید اراضی کشاورزی استان‌های همجوار (به خصوص آذربایجان شرقی و غربی)، نابودی گونه‌های حیات زنده که از طریق دریاچه به حیات خود ادامه می‌دهند و عواقب غیر قابل پیش‌بینی دیگر که می‌تواند با خود داشته باشد، منطقه را در بر خواهد گرفت. همچنین، در کنار عوامل طبیعی، کلیه‌ی ساکنین مناطق اطراف دریاچه‌ی ارومیه به نوبه‌ی خود در خشک‌شدن این دریاچه تأثیر دارند و از هر گونه تغییر اقلیمی در این دریاچه و از جمله خشک‌شدن آن تأثیر خواهند دید. مسئله‌ای که در کنار خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه می‌تواند مطرح شود، بی‌توجهی مردم به این بحران و مهم‌ندانستن آن است. این حالت بی‌توجهی می‌تواند ناشی از دید انسان‌محورانه و جدادیدن انسان‌ها از طبیعت باشد(بری: ۱۳۸۰: ۱۱۷). بنابراین با برداشتن مرزهای ذهنی بین انسان و طبیعت و تأثیر متقابل حیات این دو به همدیگر، می‌توان بیگانگی بین موجود بشری و طبیعت را برداشت و با هماهنگی بیشتری در مسیر حفظ آهنگ طبیعت و مقابله با بحران‌ها گام برداشت.

ارتباط و پیوستگی با طبیعت و به طبع آن گرایش به مشارکت در جهت حفظ آن، باعث کاهش بیگانگی از طبیعت و رهایی‌یافتن از دیدگاه انسان‌محوری در برخورد با محیط زیست و گرایش به حفظ و نگهداری طبیعت و منابع طبیعی می‌شود. این امر از آن‌جا اهمیت می‌یابد که در عصر حاضر مسائل و مشکلات ناشی از ماشینی‌شدن زندگی و سرعت‌گرفتن بیش از حد رشد تکنولوژیکی، به نظر می‌رسد که انسان‌ها در کار و تولید و حتی تفریح و خوش‌گذرانی از طبیعت فاصله گرفته‌اند و در یک فضای انسان‌ساخته زندگی می‌کنند. این دوری و بیگانگی از طبیعت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

می‌تواند انسان‌ها را نسبت به مسائل زیست‌محیطی پیرامون آن‌ها بی‌تفاوت کند و در بـه کـارگیری پتانسیل آن‌ها در حفظ طبیعت و مقابله با بحران‌ها بکاهد.

ارتباط و پیوستگی یادشده بین انسان و طبیعت می‌تواند در مورد دریاچه‌ی ارومیـه هـم صـادق باشد؛ به این صورت که مردم می‌توانند بـا ایـن دریاچـه ارتبـاط و پیوسـتگی زیـادی داشـته و بـا مشارکت و آگاهی خود در احیای این دریاچه اثرگذار باشند. این مشارکت و آگاهی می‌توانـد هـم در سطح کنش فردی(صرفه‌جویی و عدم اسراف در محیط خانه و زندگی شخصی در مواردی مثل مصرف آب، تولیدات کشاورزی و صنعتی و...) و هم کنش جمعی(عضویت در NGO های محیط زیستی، آگاه‌سازی مردم و...) صورت پذیرد.

مسائل محیط زیستی یکی از مشکلات عمده در جهان مطرح است و در این زمینه بـرای غلبـه بر این مشکلات – که خشکی دریاچه‌ی ارومیه یکی از آن‌هاست– انجام تحقیقـات در حـوزه‌هـای گوناگون دانش ضروری به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی چنین به نظر مـی‌رسـد کـه در حـوزه‌ی جامعه‌شناسی محیط زیست در ایران – به صورت عـام– و محـیط زیسـت دریاچـه‌ی ارومیـه– بـه صورت خاص– تحقیقات جامعه‌شناختی کمتری صورت گرفته است. این در حالی است که بـا رو به خشکی‌رفتن این دریاچه، پایداری محیط زیستی منطقه‌ی اطراف دریاچه به خطر می‌افتد. کمبـود تحقیقات جامعه‌شناختی در این حوزه در حالی است که دریاچـه‌ی ارومیـه دارای ارزش زیـادی از ابعاد گوناگون در منطقه برخوردار است و مطالعـه‌ی رابطـه‌ی مـردم بـا ایـن دریاچـه و چگـونگی ارتباط‌شان با آن می‌تواند کمک زیادی در برنامه‌ریزی‌های مربوط به این دریاچه بکند. در این میان، مشارکت در نجات و بازگرداندن زیست‌بوم[1] به حالت اولیه، راهی است برای آمـوزش شـهروندان، تـا در محـیط طبیعـی اطـراف خـود درگیـر شـده و بـه حفـظ طبیعـت و فرهنـگ خـود بپردازند(دوبسون[2]،۲۰۰۶:۷۷).

ناپایداری‌های زیست‌محیطی چیزی هستند که نـه تنهـا در مـورد دریاچـه‌ی ارومیـه، بلکـه در نتیجه‌ی فعالیت‌های بشری در سراسر کره‌ی زمین در مورد پدیده‌های زیست‌محیطی در حـال روی دادن هستند. به همین خاطر است که تضمین پایداری محیط زیسـت در لیسـت اهـداف توسـعه‌ی هزاره جای گرفته است. این اهداف که در سال ۲۰۰۰ میلادی در نشست رهبران جهان در سـازمان ملل تعیین شد، زمان‌بندی شده و قابل اندازه‌گیری هستند و باید تا سال ۲۰۱۵ تأمین شوند(نورالهی

[1] Ecology
[2] Dobson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

و میری، ۱۳۸۷، ۱۱۸). فلذا، تحقیق حاضر نیز در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشد: اولاً؛ شهروندان شهر ارومیه تا چه حدی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه ارتباط و پیوستگی دارند؟ ثانیاً؛ عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با ارتباط و پیوستگی شهروندان شهر ارومیه کدامند؟

چارچوب نظری پژوهش

مفهوم ارتباط و پیوستگی با طبیعت[1] شامل احساس اهمیت فرد برای موجودات زنده‌ی دیگر بر روی زمین و درک ارتباط زندگی انسان‌ها با آن‌ها است. ویلسون[2](۱۹۸۴) مطرح می‌کند که انسان‌ها، بر پایه‌ی تاریخ تکاملی، دارای یک نیاز درونی برای ارتباط با سایر موجودات و اشیای زنده می‌باشند. کلرت[3] و ویلسون(۱۹۹۳) در فرضیه‌ی بیوفیلیا[4] این ادعا را می‌کنند که با توجه به این‌که انسان‌ها در تاریخ تکاملی خود، نسبتاً دیر شروع به زندگی در شهرها- جدای از طبیعت- کردند، پس این امر که ما انسان‌ها تمامی داشته‌ها و یادگیری‌های خود از طبیعت را که در بیولوژی ما نهفته است به فراموشی سپاریم، غیر محتمل است. شواهد و مدارکی که برای اثبات فرضیه‌ی بیوفیلیا آورده می‌شود، مواردی چون عمومیت داشتن فعالیت‌های معطوف به محیط بیرونی و طبیعت وحشی و رام‌نشده، باغ وحش‌ها، فعالیت‌های باغبانی، روابط ما با حیوانات، و انس و ارتباط ما با چشم‌اندازهای طبیعی می‌باشد، اگرچه چنین کشش و جذبه‌ی آشکاری نسبت به طبیعت وجود دارد، تغییرپذیری و تنوع قابل توجهی نیز در میزان و مقدار احساس ارتباط اشخاص با طبیعت وجود دارد (نیزبت و همکاران[5]: ۳۰۸:۲۰۱۰).

در حال حاضر افراد جامعه با مشکلات زیست‌محیطی در حال رشدی روبرو می‌باشند که به سلامتی آنان و سیاره‌ی زمین آسیب می‌رساند. گرم‌شدن زمین، آلودگی هوا، انقراض گونه‌های حیوانی و دیگر مشکلات زیست‌محیطی به خودی خود به وجود نمی‌آیند و انسان‌ها نقش عمده‌ای را در به وجودآمدن آن‌ها بازی می‌کنند(نیزبت و همکاران،۲۰۰۹: ۷۱۶). در چنین شرایطی قطع ارتباط با دنیای طبیعی[6] ممکن است به نابودی سیاره‌ی ما منجر شود. مقیاس«ارتباط و پیوستگی با

[1] Nature relatedness
[2] Wilson
[3] Klert
[4] Biophilia Hypothesis
[5] Nisbet et al
[6] Natural World

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

طبیعت»[1] به عنوان یک روشی مفید برای سنجش ارتباطات موجود بین انسان- طبیعت می‌باشد که در آن بحث‌های مربوط به نگرانی نسبت به محیط زیست[2] و رفتارهای معطوف به حفظ طبیعت بحث می‌شود(همان،۷۱۵).

اگرچه اهمیت ارتباط مردم با طبیعت اغلب ذکر شده است، سنجش این ارتباط کار سختی بوده است. به عنوان گام اول در این زمینه، مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت توسط نیزبت و همکارانش طراحی شده است. مفهوم NR[3] شامل درک و فهم ارتباط متقابل بین انسان‌ها و سایر موجودات زنده بر روی کره‌ی زمین است. این مفهوم، فهم و درک اهمیت تمامی جنبه‌های طبیعت می‌باشد. حتی آن جنبه‌هایی که از نظر زیبایی‌شناختی برای انسان‌ها جذاب نیستند(مثل عنکبوت‌ها و مارها). باید گفت که NR یک شبه‌صفت[4] می‌باشد که در طول زمان و در شرایط مختلف ثابت می‌باشد، اگرچه در طول زمان ایستا نیست(نیزبت و همکاران،۲۰۰۹:۷۱۸). ارتباط و پیوستگی با طبیعت دارای سه عامل است:

عامل اول، احساس خود در ارتباط با طبیعت[5] می‌باشد که یک تعریف و شناسایی درونی‌شده را با طبیعت نشان می‌دهد که منعکس‌کننده‌ی احساسات و افکار یک نفر درباره‌ی ارتباط و پیوستگی با طبیعت است، مثلاً جمله‌ی «رابطه‌ی من با طبیعت یک بخش مهم از هویت من است»، نشان‌دهنده‌ی این بعد است.

عامل دوم، دیدگاه و دورنمای جهانی نسبت به طبیعت[6] است که منعکس‌کننده‌ی جهان‌بینی خارجی و بیرونی ارتباط و پیوستگی با طبیعت است. این عامل نشان‌دهنده‌ی نگرانی از تأثیرات اعمال انسانی بر روی تمامی موجودات زنده می‌باشد. برای مثال «نگهداری از طبیعت ضروری نیست؛ زیرا طبیعت به اندازه‌ی کافی قوی است تا بتواند خودش را از تأثیرات انسانی برهاند».

عامل سوم، تجربه‌ی فیزیکی[7] طبیعت است. این عامل منعکس‌کننده‌ی نزدیکی فیزیکی با دنیای طبیعی می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی درجه‌ی علاقه به حضور در محیط بیرونی است. این عامل شامل

[1] The Nature Relatedness Scale
[2] Environmental Concern
[3] Nature relatedness
[4] Trait Like
[5] NR- Self
[6] NR- Perspective
[7] NR- Experience

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

گویه‌هایی نظیر «من از بودن در طبیعت حتی در هوای بد لذت می‌برم» می‌شود(نیزبت و همکاران،۲۰۰۹:۷۲۵).

عامل اول یا احساس خود در ارتباط با طبیعت ممکن است مثل مفهوم «خود اکولـوژیکی[1]» در نظر گرفته شود. این مفهوم نشان‌دهنده‌ی این است که تا چه اندازه و بـا چـه قـدرتی اشـخاص بـا محیط طبیعی هویت‌یابی می‌کنند.

عامل دوم یا دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت به این برمی‌گردد که تا چه اندازه روابـط شخصـی فرد با طبیعت در رفتارها و اعمـال وی آشـکار مـی‌شـود. عامـل سـوم یـا تجربـه‌ی فیزیکـی هـم منعکس‌کننده‌ی نزدیکی فیزیکی با طبیعت است و کشش و جاذبه‌ای را که افراد نسبت بـه طبیعـت دارند، نشان می‌دهد (همان،۷۳۲).

یکی از متغیرهای مورد بحث در پژوهش حاضر، سرمایه اجتماعی[2] می‌باشد. سرمایه‌ی اجتماعی شامل منابع مفید قابل دسترس برای کنشگران است که از طریق روابط اجتماعی آن‌ها حاصل می‌گردد و به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه‌شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند(علیوردی‌نیا و همکاران،۱۳۸۷: ۱۱۳). مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به مقامات و روابط گروهی یا شبکه‌های اجتماعی (دوستی و نظیر آن) مربوط می‌گردد که فرد در درون آن قرار گرفته است و می‌تواند به نفع خود از آن استفاده کند(ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

هانیفان[3] نخستین نویسنده‌ای است که از اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی استفاده کرده است. در نظر او سرمایه‌ی اجتماعی آن «چیزی» یا آن «پدیده‌ای» است که در روابط میان انسان‌ها نهفته است و سبب پدیدآمدن حسن نیت میان آن‌ها می‌شود، همدلی آن‌ها را نسبت به یکدیگر برمی‌انگیزد. هسته‌ی اصلی اندیشه‌ی هانیفان، در واقع، این است که میان «سرمایه‌ی اجتماعی» و «رابطه‌ی اجتماعی» پیوندی درونی و تنگاتنگ وجود دارد و «سرمایه‌ی اجتماعی» در درون «رابطه‌ی اجتماعی» نهفته و پنهان است(اجتهادی، ۱۳۸۶: ۴۱۲-۴۱۳).

براساس نظر بوردیو[4]، «سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه منابع مادی یا معنوی است، که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه‌ی پایداری از روابط کم و بیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل

[1] Ecological Self
[2] Social Capital
[3] L.F. Hanifan
[4] Bourdieu

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

را در اختیار داشته باشند» (فیلد، ۱۳۸۸: ۳۱). بوردیو خاطر نشان کرد که برای حفظ ارزش سرمایه‌ی اجتماعی افراد، باید بر روی آن کار شود.

رابرت پاتنام[1] نیز، معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی اغلب محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. این سرمایه به طور معمول در پیوندها، هنجارها و اعتمادها تشکیل می‌شود و از یک شرایط اجتماعی به شرایط دیگر انتقال‌پذیر است(امیری و رحمانی،۱۳۸۵: ۱۱۵). وی به سرمایه‌ی اجتماعی به صورت کلان نگاه می‌کند و سرمایه‌ی اجتماعی را در رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور مؤثر می‌داند و به این لحاظ تعریف او جمعی بوده و سرمایه‌ی اجتماعی را به منزله‌ی دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند(همان، ۱۱۶).

در این میان، سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی در مدیریت پیامدهای جانبی منفی زیست‌محیطی، تأثیرات مثبت زیادی دارد. در زیر به چهار مورد از مکانیسم‌های این تأثیر پرداخته شده است.

– نظارت اجتماعی بدون حضور قانون: پیرامون نقش نظارت سرمایه‌ی اجتماعی، جاکوب[2] معتقد است سرمایه‌ی اجتماعی شبکه‌ی اجتماعی فشرده‌ای است که در محدوده‌ی شهرهای قدیمی در ارتباط با حفظ نظافت، عدم جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیماتی که به بهبود کیفیت زندگی می‌انجامد، در مقایسه با عوامل نهادی رسمی مانند نیروهای حفاظتی و پلیس، مسئولیت بیشتری را از خود نشان می‌دهد. این سرمایه، با افزایش سطح آگاهی مردم در خصوص مسایل زیست‌محیطی و فرهنگ‌سازی اخلاقیات زیست‌محیطی این امکان فراهم می‌شود که تأخیرهای فرهنگی در امور زیست‌محیطی اصلاح شود(توحیدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۷۴–۱۷۷).

– ایجاد اعتماد متقابل و تفاهم بر عدم ایجاد پیامدهای جانبی منفی زیست‌محیطی: سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی یک نظام‌نامه‌ی عمومی غیر مکتوبی است که اخلاق شهروندی را تبیین می‌کند و با وجود چنین نظام‌نامه‌ای که اجرای آن از طریق عموم افراد جامعه مورد نظارت قرار می‌گیرد، پیوندهای اجتماعی قوی ایجاد می‌شود که یکی از منافع آن انتظارات قابل اعتماد است که نصیب افراد می‌گردد. لذا تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی اعتماد متقابل افراد به یکدیگر را افزایش می‌دهد یعنی یک فرد را تا اندازه‌ی بیشتری مطمئن می‌سازد که افراد دیگر، حقوق زیست‌محیطی او

[1] Robert Putnam
[2] Jokob

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

را رعایت کرده و اثرات خارجی منفی ایجاد نمی‌کنند و لذا او نیز در چهارچوب همین تفاهم اجتماعی و اعتماد موجود به ایجاد این اثرات مبادرت نخواهد ورزید (همان).

- تشکیل تشکل‌های حمایت از محیط زیست: رنانی معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی منبع اصلی شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی است و بدون حضور آن هیچ گروهی شکل نمی‌گیرد و در واقع هر گروهی حول یک سرمایه‌ی اجتماعی شکل می‌گیرد. به نظر وی، انجمن‌های زیست‌محیطی را می‌توان یکی از این گروه‌های اجتماعی دانست که حیطه‌ی عمل بسیار گسترده‌ای را در ارتباط با محیط‌زیست دربرمی‌گیرد. بنابراین تشکل‌های حمایت از محیط زیست نیز می‌توانند با افزایش هزینه‌ی اقدامات آسیب‌رساننده به محیط زیست از ایجاد آن‌ها بکاهند (همان).

- تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی بر اقدامات دولتی و قانونی: تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی در یک جامعه برای دستیابی به استانداردهای مطلوب زیست‌محیطی به تنهایی کافی نیست؛ در چنین شرایطی دولت با ابزارهای تشویقی و تنبیهی که از طریق وضع قانون در اختیار می‌گیرد، کیفیت عملیاتی‌شدن سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی را بهبود می‌بخشد و از هنجارشکنی زیست محیطی جلوگیری می‌کند(همان). می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند سرعت انتقال اطلاعات را در مورد پدیده‌های گوناگون، از جمله مسائل زیست‌محیطی مثل دریاچه‌ی ارومیه را افزایش داده و فرد را در جریان مسائل مختلف، از جمله مسائل زیست‌محیطی قرار دهد. بر این اساس می‌توان گفت افرادی که دارای سرمایه‌ی اجتماعی بیشتری هستند در مورد پدیده‌های گوناگون موجود در جامعه و محیط خویش آگاه‌تر و حساس‌تر نسبت به دیگران می‌باشند.

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با ارتباط و پیوستگی با طبیعت، «حقوق شهروندی» است (هزارجریبی و امانیان،۱۳۹۰: ۶-۷). بر اساس نظریه ی حقوق شهروندی و ارتباط آن با موضوع تحقیق می توان گفت که آگاهی به حقوق شهروندی مثل حقوق اجتماعی و حق رفاه، حق نظارت بر شهر، حق شناخت، حق مشارکت در مدیریت شهری و ... می تواند رابطه ی مستقیمی با ارتباط و پیوستگی با طبیعت داشته باشد. بر این اساس، افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند؛ لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه‌کردن آنان از حقوق‌شان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. طبقه‌ی کارگر با آگاهی از جایگاه خود با هم متحد شده و با انقلاب سوسیالیستی به سرنگونی نظام سرمایه‌داری به عنوان مانع احقاق حقوق‌شان می‌پردازند(همان: ۶-۷).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

از نظر ماکس وبر نیز، شهروندی به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت‌داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه‌ی آن‌ها شامل حق شهروندی به انضمام انحصارات بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش داد و ستد رقابت‌آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه برای مقاصدی چون اهداف نظامی بود. از نظر حقوق اقتصادی مهم‌ترین امتیازات مدنی در قالب حقوق صوری به معنای حق داشتن انجمن‌های نیمه آزاد شهروندان نبود، بلکه ضامن مالکیت اربابی شهر به شمار آمد. بنابراین وبر بیشتر بر حق سیاسی شهروندان مانند حق رأی و انتخاب نمایندگان توجه داشته است و مشارکت شهروندان را رکنی اساسی در این زمینه می‌داند(هزارجریبی و امانیان،۱۳۹۰: ۷).

ت.اچ. مارشال[1] سه نوع حق در ارتباط با حقوق شهروندی تشخیص داده است: حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی. حقوق مدنی به حقوق فرد در قانون اطلاق می‌شود که شامل آزادی افراد برای انتخاب محل زندگی، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون می‌باشد. حقوق سیاسی دومین نوع از حقوق شهروندی محسوب می‌گردد؛ مانند حق شرکت در انتخابات و حق انتخاب‌شدن. سومین نوع حقوق شهروندی که مارشال تشخیص می‌دهد، حقوق اجتماعی است. این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مندشدن از یک حداقل استاندارد و رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و شامل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد است. بر این اساس می‌توان گفت که شهروندان هنگامی می‌توانند به توسعه‌ی پایدار و تعادل پویای شهرشان برسند که بتوانند مدیریت شهر را مشروط به اعمال حقوقی کنند که برخورداری انسانی از آن‌ها فرض است (عباس زاده،۱۳۸۷:۲۴). در این راستا، داشتن آگاهی بیشتر منجر به گرایش به رفتارهای حامی محیط زیست و اعمال مسئولیت‌پذیرانه نسبت به محیط زیست می‌شود که این امر می‌تواند در مورد آگاهی از حقوق شهروندی هم صادق باشد.

برایان ترنر[2] شهروندی را به جای تعریف در چارچوب حقوق و تعهدات، به صورت فرآیند تصور می‌کند و شامل دو فرآیند برخورداری و فرایند محرومیت می‌داند. فرآیند برخورداری از طریق باز تخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می‌گردد و فرآیند محرومیت از طریق ساخت یک هویت مشترک، دیگران را از مزایای شهروندی محروم می‌سازد.

[1] T.H. Marshall
[2] Bryan S.Turner

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

شهروندی، یک مجموعه از فرآیندها درباره تخصیص استحقاقات، تعهدات، مصونیت‌ها در درون یک اجتماع سیاسی است. بنیان‌های استحقاق مؤثر شهروندی در انجام خدمات کار، جنگ و تشکیل خانواده است(ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۹: ۱۷). ترنر سه شهروند فراملی و به تبع آن سه نوع حقوق را مطرح می کند: شهروند محیطی: حق نسبت به داشتن یک محیط پاکیزه و تمیز؛ شهروند بومی: بومیان هر کشور به عنوان شهروند درجه‌ی دوم محسوب نشوند و مهاجران و بومیان از بهداشت، تحصیلات و مشارکت سیاسی برخوردار باشند؛ شهروند فرهنگی: حقوق فرهنگی مربوط به زبان، سهیم‌بودن در میراث فرهنگی و هویت مذهبی می‌باشد(همان: ۱۷-۱۸).

در ادامه اشاره‌ای به نقش محوری تلویزیون و تصویرهای رسانه‌های گروهی دیگر در گسترش آگاهی و علاقمندی زیست‌محیطی می‌شود. در حالی که این تصویرها ظاهراً نمی‌توانند به اندازه‌ی تجربه‌های شخصی در جهان طبیعی و تأثیر افراد خانواده و خویشاوندان نزدیک بر زندگی افراد مهم باشند، با این حال بسیار تأثیرگذارند. در مطالعه‌ی «محیط زیست جهانی و گسترش حلقه‌ی اخلاقی»، تحلیل ارزیابی پاسخ‌های مربوط به پرسش تأثیرات نشان می‌دهد که برنامه‌های مستند تلویزیونی بیشترین تأثیرگذاری را دارد: ۷۲ نفر از ۱۸۲ آزمودنی به این پرسش رتبه‌ی ۵ را دادند و میانگین امتیاز آن برابر ۴/۰۲ بود. افزون بر این، در این رتبه‌بندی‌ها تصویرهای رسانه‌های گروهی پس از برنامه‌های مستند تلویزیونی در مرتبه‌ی دوم قرار گرفته است. هنگامی که از آزمودنی‌ها خواسته شد تنها یک مورد را به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر رفتارها و گرایش‌های آنها به طرف محیط زیست و جانوران اعلام کنند، ۴۲ نفر از آنان(۲۳٪) گفتند که مستندهای تلویزیونی یا تصاویر رسانه‌ها بر رفتار آن‌ها نسبت به جانوران تأثیر گذاشت و ۳۷ نفر دیگر(۲۱٪) به عقیده‌ی آنان این عوامل بر رفتار آن‌ها نسبت به گیاهان مؤثر بوده است(پالمر، ۱۳۸۲: ۳۶۷). باید گفت که رسانه نقش فزاینده‌ای در شکل‌گیری افکار عمومی و انتقال نگرش‌ها به افراد دارد. رسانه‌ها در متحول‌شدن نظام ارزشی جامعه و شکل‌گیری و هدایت پدیده‌های مهم فرهنگی و اجتماعی مانند سبک‌های جدید زندگی، الگوهای مصرفی و گسترش آگاهی و علاقمندی زیست‌محیطی نقش بسزایی دارند.

به طور خلاصه یک پایگاه عمده‌ی پژوهشی که از چندین مطالعه داده‌های خود را فراهم کرده، موارد زیر را در پیوستگی با محیط زیست و حفظ آن مشخص می‌کند: اهمیت بیشتر و غیرقابل‌اجتناب تأثیر تجربه‌اندوزی‌های شخصی «از طریق» محیط زیست، به ویژه در سال‌های جوانی از نقطه‌نظر گسترش شناخت، درک و علاقه‌ی واقعی به محیط زیست؛ نقش اساسی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

تجربه‌های معنوی یا سایر تجارب زیبایی‌شناختی در توسعه‌ی درک و آگاهی و علاقمندی زیست‌محیطی؛ اهمیت دانش اجتماعی، جذب دانش، عقاید و گرایش‌ها از طریق زندگی و با تعامل در یک جامعه یا محله‌ی خاص؛ نقش محوری تلویزیون و رسانه‌های گروهی بر تأثیرگذاری بر تفکر و اندیشه‌ی زیست‌محیطی و اهمیت عقاید و تجربه‌های معنوی در تکوین و گسترش گرایش، علاقه و تعهد به محیط زیست در این فرایند توسط پالمر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است(پالمر، ۱۳۸۲: ۳۶۸).

پیشینه‌ی تجربی پژوهش

بدری گرگری و همکاران(۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیل عاملی تأییدی و همسانی درونی مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت در دانشجویان(مقیاسی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و روانشناسی محیط زیست)»، با هدف بررسی ساختار عاملی پرسشنامه ارتباط با طبیعت (NR- scale) نیزبت و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی تأییدی اجرا کرده‌اند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان‌دهنده‌ی این است که الگوی سه عاملی برازش قابل قبولی با داده‌ها دارد. ضرایب آلفای کرونباخ نیز نشان داد که NR- scale از پایایی قابل قبولی برخوردار است. در مجموع نتایج پژوهش حاضر منجر به تقویت این ایده گردید که مقیاس ارتباط با طبیعت نیزبت و همکاران به عنوان یک ابزار روا و پایا در پیش‌بینی رفتارهای مراقبت از محیط زیست می‌باشد.

تحقیق دیگری تحت عنوان «مطالعه‌ی تجربی رابطه‌ی آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه‌ی مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج) توسط صالحی و امام قلی(۱۳۹۰)، با نمونه‌ی آماری ۱۳۸۵ نفر انجام شده است. نتایج نشان داد که بین محل سکونت، وضعیت تأهل، گروه‌های سنی، سطح تحصیلات و آگاهی زیست‌محیطی با رفتارهای زیست محیطی رابطه وجود دارد.

علوی مقدم و دلبری(۱۳۸۸) تحقیقی در زمینه‌ی ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان مقطع کارشناسی از موضوع مدیریت مواد زاید جامد در محیط زیست انجام داده است. یافته‌های این مطالعه سطح پایین آگاهی دانشجویان از مقوله‌ی مواد زاید جامد به عنوان یکی از معضلات زیست‌محیطی عصر حاضر، ضروررت ارائه‌ی واحدهای مرتبط با علوم و مهندسی محیط زیست را برای دانشجویان مقطع کارشناسی کلیه‌ی رشته‌ها نشان داد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

برخی از نتایج تحقیق محمدرضایی واسکافی(۱۳۸۴) با عنوان موانع و راهکارهای مشارکت کارکنان در سیستم مدیریت محیط زیستی شرکت ایران خودرو حاکی از آن است که سطح پایین فرهنگ سازمانی، تعهد، توانایی و شناخت کارکنان، اعتماد کارکنان، سرمایه‌ی اجتماعی پایین، از مهم‌ترین موانع مشارکت کارکنان شرکت ایران خودرو در سیستم مدیریت محیط زیستی آن به شمار می‌رود و پیشنهادهایی را در جهت رفع آن ارائه می‌دهند.

سالارزاده امیری و حسینی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه‌ی بین برخورداری از انواع سرمایه و نوع نگرش به عدالت اجتماعی» ذکر می‌کنند که سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جزء منابع ارزشمند در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و بنابر نظریات جامعه‌شناسان ترکیب این سرمایه‌ها پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد را تعیین می‌کند. میزان برخورداری افراد از این سرمایه‌ها محل قرارگیری افراد را در فضای اجتماعی مشخص می‌نماید.

عقیلی و همکاران(۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان « سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شمال ایران (مطالعه‌ی موردی: استان های گیلان، مازندران و گلستان)» با روش تحقیق از نوع پیمایشی و نمونه‌ی آماری شامل ۷۵۰ نفر از ساکنان مناطق شهری استان‌های گیلان، مازندران و گلستان، به این نتایج دست یافتند که بین سرمایه‌ی اجتماعی با رفتارهای مسئولانه‌ی زیست‌محیطی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این بین عناصر عمده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با رفتارهای مسئولانه‌ی زیست‌محیطی نیز ارتباط معنی‌داری برقرار بوده و این روابط در مناطق مختلف جغرافیایی نیز متفاوت است.

توحیدی‌نیا (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان « سازوکار اثربخشی اخلاق در مدیریت پیامدهای جانبی منفی زیست‌محیطی » به این نتیجه رسید که که امروزه بحث عدم تخصیص بهینه‌ی منابع طبیعی و زیست‌محیطی و کاهش سطح رفاه جامعه که ناشی از ایجاد پیامدهای جانبی منفی زیست‌محیطی است، به عنوان یک بحث جهان‌شمول مورد بررسی و کنکاش بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است. وی به این نتیجه دست یافته که ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی توسط اخلاقیات زیستی سبب می‌شود پیامدهای جانبی منفی کاهش یابد. سپس چگونگی اثربخشی سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی را بر اجتماع برای کاهش پیامدهای جانبی منفی شرح می‌دهد.

شفیعی و همکاران(۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی عوامل ارتباطی تاثیرگذار بر نگرش کشاورزان حوزه‌ی آبخیز کرخه و دز در استان خوزستان نسبت به به کارگیری عملیات حفاظت خاک

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

پرداخته‌اند. روش تحقیق پیمایشی و از نوع توصیفی – همبستگی به منظور تعیین رابطه‌ی متغیرهای مستقل و وابسته بود. جامعه‌ی آماری مورد نظر شامل کشاورزان حوزه‌ی آبخیز کرخه و دز به تعداد ۳۹۴ نفر می‌باشد. نتایج حاکی از آن بود که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین متغیر وابسته "نگرش نسبت به عملیات حفاظت خاک " و میزان استفاده از کانال‌ها و منابع ارتباطی شامل منابع ارتباطی جهان‌شهری، سازمانی و رسانه‌های جمعی وجود دارد. در تحلیل رگرسیونی، متغیرهای ارتباطی پیش‌بینی‌کننده‌ی نگرش در مجموع ۳۸ درصد از واریانس متغیر وابسته نگرش را تبیین کردند.

نیزبت و همکاران(۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت: مرتبط‌ساختن رابطه‌ی شخصی انسان‌ها با رفتار و نگرانی نسبت به طبیعت»، برای سنجش ارتباط و پیوستگی مردم با طبیعت، یک مقیاس تحت عنوان «ارتباط و پیوستگی با طبیعت[1]» را ساخته و آن را در بین ۸۳۱ دانشجو به آزمون می‌گذارند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهند که این مقیاس با مقیاس‌ها و رفتارهای محیط زیستی و نیز فراوانی حضور در طبیعت دارای همبستگی است. توانایی مقیاس NR در سنجش ارتباط و پیوستگی بین انسان‌ها و طبیعت در مقاله‌ی آن‌ها مورد سنجش قرار گرفته است.

هاینز و همکاران[2] (۱۹۸۶–۱۹۸۷) در یک فراتحلیل[3] از ۲۸ مطالعه‌ی تجربی که در مورد عوامل تعیین کننده‌ی رفتار زیست‌محیطی بودند، نشان دادند که شخصیت و نگرش‌ها و نیز دانش و مهارت‌ها، سرمایه‌ی اجتماعی، آگاهی از حقوق شهروندی، رفتارهای حامی زیست‌محیط را پیش‌بینی می‌کنند (نیزبت و همکاران،۲۰۰۹:۷۱۶).

دیویس، گرین و رید (۲۰۰۸) در تحقیق خود این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا درک افراد از اتکای متقابل‌شان با محیط طبیعی، رفتار محیطی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ این محققین از دیدگاه تئوری اتکای متقابل[4] مقیاسی را برای سنجش تعهد به محیط طبیعی ارائه می‌دهند. مطالعه‌ی آن‌ها نشان داد که سطح بالای تعهد به طبیعت، رفتارهای مثبت به نفع طبیعت را باعث می‌شود.

بوناویستا[5](۱۹۹۵) مطالعه‌ای در مورد روستائیان فیلیپینی که زندگی و اقتصاد آن‌ها از منابع طبیعی رو به کاهش و نابودی روستا بود، انجام داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تعاملات

[1] Nature Relatedness
[2] Hines & et al
[3] Meta Analysis
[4] Interdependence Theory
[5] Buenavista

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بین جنسیت و طبقه، همزیستی روابط بازاری و غیر بازاری و قدرت شبکه‌های اجتماعی از جمله عواملی هستند که انتخاب‌های خانواده‌ها را در مدیریت منابع خانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. محقق در آخر نتیجه می‌گیرد که ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی و نیز تقویت کنترل نیروها و مردم محلی بر منابع طبیعی، کلید مدیریت پایدار منابع طبیعی می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

- بین سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط و پیوستگی شهروندان با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد.
- بین آگاهی از حقوق شهروندی و ارتباط و پیوستگی شهروندان با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌ها و ارتباط و پیوستگی شهروندان با طبیعت دریاچه ی ارومیه رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش اجرای تحقیق حاضر نیز پیمایشی می‌باشد که محقق در تلاش است تا اطلاعات لازم و مورد نیاز با جمع‌آوری و در صدد معناکردن آن‌ها برآید. هدف تحقیق پیمایش این است که با مقایسه‌ی دقیق ویژگی‌های مختلف موردها به استنباطی علی نائل آید(دواس :۱۵،۱۳۸۶). این تحقیق از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل تمامی ساکنین شهر ارومیه که ۱۵ سال به بالا دارند می باشد. پاسخ‌گویان هم مردان و هم زنان را شامل می‌شوند. تعداد کل ساکنین شهر ارومیه بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۵۸۳۲۵۵ نفر می‌باشد که تعداد ۴۴۲۴۸۷ نفر از آن‌ها بالای ۱۵ سال سن دارند.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری تصادفی مطبق می‌باشد، بدین صورت که از مناطق شهرداری شهر ارومیه به تناسب جمعیتشان به طور تصادفی، نمونه‌ی برآوردشده انتخاب شدند.

نمونه‌ی آماری از بین خانواده‌های شهر ارومیه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید:

$$n=\frac{Nt^2pq}{Nd^2+t^2pq} \quad =\frac{442487\times1.96^2\times.50\times.50}{442487\times.05^2+1.96^2\times.50\times.50}=383.7$$

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

قابل ذکر است که تعداد کل ساکنین شهر ارومیه بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۵۸۳۲۵۵ نفر می‌باشد که تعداد ۴۴۲۴۸۷ نفر از آن‌ها بالای ۱۵ سال سن دارند که زیرمجموعه‌ی جامعه‌ی آماری این تحقیق محسوب می‌شوند. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۸۳/۷ نفر نمونه‌ی آماری این تحقیق محاسبه شد.

تعریف متغیرهای پژوهش

میزان ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه: مفهوم پیوستگی یا ارتباط با طبیعت شامل احساس اهمیت فرد برای موجودات زنده‌ی دیگر بر روی زمین و درک ارتباط زندگی انسان‌ها با آن‌ها است. پیوستگی با محیط نسبتاً ثابت در گذر زمان و در میان موقعیت‌ها بوده و کاملاً تثبیت شده نیست (نیزبت و همکاران،۲۰۰۹:۷۲۱).

پیوستگی با طبیعت دارای چهار مؤلفه‌ی اساسی است: مؤلفه‌ی احساس خود در ارتباط با طبیعت، دیدگاه و دورنمای جهانی نسبت به طبیعت، تجربه‌ی فیزیکی (نیزبت و همکاران،۲۰۰۹:۷۱۸) و اقدام در جهت حفظ طبیعت[1] در ارتباط با طبیعت.

سرمایه‌ی اجتماعی: فوکویاما[2]، سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند(علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۳). در این تحقیق «میزان ارتباط با مردم»، «میزان اعتمادنهادی»، «میزان اعتماد به نزدیکان»، و «میزان صداقت بین شخصی» به عنوان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی انتخاب شدند.

آگاهی از حقوق شهروندی: «حقوق شهروندی»، حقوقی است که با اجرای آن، سلامت جسمی، روحی، فرهنگی، اخلاق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان تأمین شده و ارتقاء می‌یابد و شامل حقوق شخصی و فردی، اجتماعی، مدنی، فرهنگی، جنسیتی، مذهبی و اعتقادی و... است(مهرورزیان،۱۳۸۸:۴۹). در تحقیق حاضر حقوق اجتماعی مد نظر بوده است.

میزان استفاده از رسانه‌های محیط‌محور: عبارت است از استفاده از هر نوع رسانه‌ی محیط‌محور. رسانه‌های مورد نظر در این تحقیق عبارتند از تلویزیون داخلی، ماهواره، اینترنت،

[1] The NR-Action
[2] Fukuyama

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

رادیو، روزنامه، مجلات گوناگون. میزان استفاده از رسانه‌ها بر اساس مدت زمانی که هر فرد در شبانه‌روز برای استفاده از رسانه‌های گوناگون صرف می‌کند، اندازه‌گیری شد.

برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه‌ی محقق ساخته، استفاده شده است. البته قابل ذکر است که سؤالات مربوط به متغیر وابسته مقیاس استاندارد نیزبت و همکارانش(۲۰۰۹) است که با تغییرات جزئی و بومی‌سازی آن و نیز افزایش یک بعد به سه بعد اصلی آن و ایجاد بعد چهارم (اقدام عملی در حفظ طبیعت) مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، اعتبار مورد استفاده در این تحقیق، اعتبار محتوایی از نوع صوری یا ذهنی است. این اعتبار مبتنی بر ارزیابی‌های ذهنی محققان و متخصصانی است که با اجماع نظر به بررسی کیفیت ابزار اندازه‌گیری می‌پردازند(قاضی طباطبایی،۱۳۸۱: ۱۳). برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب به‌دست‌آمده به تفکیک متغیرها و ابعاد در جدول شماره (۱)، نشان داده شده است.

جدول شماره‌ی یک- ضریب پایایی برای هر یک از متغیرهای تحقیق به تفکیک ابعاد

متغیرهای تحقیق	ابعاد	تعداد گویه	ضریب پایایی ابعاد	ضریب پایایی کل
سرمایه‌ی اجتماعی	اعتمادنهادی	۶	۰/۹۲	۰/۸۴
	اعتماد به نزدیکان	۳	۰/۷۷	
	ارتباط با مردم	۶	۰/۷۵	
	صداقت بین شخصی	۴	۰/۸۲	
حقوق شهروندی	حقوق اجتماعی	۶	۰/۷۹	۰/۷۹
ارتباط و پیوستگی با طبیعت	احساس خود نسبت به طبیعت	۴	۰/۷۱	۰/۷۹
	دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت	۵	۰/۷۸	
	تجربه‌ی فیزیکی طبیعت	۴	۰/۷۵	
	اقدام به حفظ طبیعت	۴	۰/۷۲	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

یافته‌های توصیفی پژوهش

متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه: آماره‌های توصیفی به‌دست‌آمده برای ابعاد چهارگانه‌ی متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه به شرح زیر می‌باشد:

- میانگین حاصله بعد «احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه» با ماکزیمم ۲۴ و مینیمم ۶، ۲۱/۰۶ می‌باشد که در حد بالا است.

- میزان بعد «دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه» در بین پاسخ‌گویان با میانگین ۲۳/۰۲، با توجه به میزان ماکزیمم ۳۰ و مینیمم ۸، در حد بالا قرار دارد.

- میانگین بعد «تجربه‌ی فیزیکی طبیعت دریاچه» ۱۸/۲۹ می‌باشد که با توجه به ماکزیمم ۲۴ و مینیمم ۶، در حد بالا است.

- میانگین بعد «اقدام عملی در جهت حفظ طبیعت دریاچه» ۱۸/۸۰ می‌باشد که با توجه به ماکزیمم ۲۴ و مینیمم ۴، در حد متوسط رو به بالا است.

- میزان ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در بین پاسخگویان با میانگین ۸۵/۰۵، با توجه به میزان ماکزیمم ۱۰۸ و مینیمم ۴۵، در حد بالا قرار دارد(جدول شماره ۲).

جدول شماره‌ی دو- آماره‌های توصیفی متغیر میزان ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه‌ی تغییرات	مقدار متوسط
احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه	۲۱/۰۶	۰/۱۶	-۱/۳۴	۲۴	۶	۱۸	۱۵
دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه	۲۳/۰۲	۰/۲۵	-۰/۷۴	۳۰	۸	۲۲	۱۹
تجربه‌ی فیزیکی طبیعت دریاچه	۱۸/۲۹	۰/۱۸	-۰/۷۷	۲۴	۶	۱۸	۱۵
اقدام عملی در جهت حفظ طبیعت دریاچه	۱۸/۸۰	۰/۱۹	-۰/۸۵	۲۴	۴	۲۰	۱۴
ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه(مجموع ۴ بعد)	۸۵/۰۵	۰/۷۰	-۰/۶۲	۱۰۸	۴۵	۶۳	۷۶/۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

- سرمایه‌ی اجتماعی: متغیر سرمایه‌ی اجتماعی در چهار بعد ارتباط و پیوند با مردم، میزان اعتماد به اطرافیان، میزان اعتمادنهادی و صداقت بین شخصی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. مطابق یافته‌های جدول شماره‌ی سه، میزان کل سرمایه‌ی اجتماعی با میانگین ۸۲/۱۴ ، ماکزیمم ۱۱۲ و مینیمم ۳۹ در حد متوسط رو به بالا قرار دارد(جدول شماره ۳).

جدول شماره‌ی سه- آماره‌های توصیفی ابعاد متغیر سرمایه‌ی اجتماعی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه‌ی تغییرات	مقدار متوسط
ارتباط و پیوند با مردم	۳۰/۵۳	۴/۰۶	-۰/۸۱	۳۶	۱۵	۲۱	۲۵/۵
اعتماد به نزدیکان	۱۱/۲۸	۳/۴۳	-۰/۴۰	۱۸	۳	۱۵	۱۰/۵
اعتماد نهادی	۲۰/۵۱	۸/۲۳	-۰/۱۶	۳۶	۶	۳۰	۲۱
صداقت بین شخصی	۱۹/۸۳	۳/۴۹	-۱/۳۷	۲۴	۴	۲۰	۱۴
کل سرمایه‌ی اجتماعی	۸۲/۱۴	۱۲/۷۴	-۰/۲۰	۱۱۲	۳۹	۷۳	۷۵/۵

متغیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی: میانگین حاصله‌ی متغیر نظر پاسخ‌گویان به آگاهی از حقوق شهروندی‌شان با حداکثر ۳۶ و حداقل ۶، ۱۷/۹۴ می‌باشد که در حد متوسط رو به پایین می‌باشد(جدول شماره ۴).

جدول شماره‌ی چهار- آماره‌های توصیفی ابعاد متغیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه‌ی تغییرات	مقدار متوسط
میزان آگاهی از حقوق شهروندی	۱۷/۹۴	۶/۵۹	۳۶/۰	۳۶	۶	۳۰	۲۱

متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی: نتایج حاصل از گویه‌هایی که جهت سنجش متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها طراحی شده بود نیز حاکی از آن است که: ۸۵/۴ درصد پاسخ‌گویان اذعان داشتند که یا از روزنامه استفاده نمی‌کنند و یا کمتر از یک ساعت از این رسانه استفاده می‌کنند؛ ۷۶/۹ درصد پاسخ‌گویان گفته‌اند که یا از مجله‌های مختلف استفاده نمی‌کنند و یا کمتر از یک ساعت از این رسانه استفاده می‌کنند؛ ۴۴/۸ درصد پاسخ‌گویان نیز اصلاً از رادیوی داخلی استفاده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

نمی‌کنند؛ ۷۱/۹ درصد پاسخ‌گویان نیز اصلاً به رادیوی خارجی گوش نمی‌دهند؛ ۷۰/۶ درصد نیز بیان کردند که روزانه بیش از یک ساعت به تلویزیون داخلی تماشا می‌کنند؛ ۴۲/۲ درصد پاسخ‌گویان، بیش از یک ساعت با اینترنت کار می‌کنند؛ ۴۸/۳ درصد پاسخ‌گویان نیز روزانه بیش از یک ساعت به ماهواره تماشا می‌کنند؛ به طور میانگین ۶۵ درصد پاسخ‌گویان ابراز داشته‌اند که اصلاً یا کمتر از یک ساعت از رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند(جدول شماره ۵).

جدول شماره‌ی پنج- توزیع درصد فراوانی گویه‌های متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی

گویه‌ها	اصلا	کمتر از یک ساعت	بین ۱ تا ۲ ساعت	بین ۲ تا ۳ ساعت	بین ۳ تا ۴ ساعت	بیش از ۴ ساعت	بی جواب	جمع کل
میزان استفاده‌ی روزانه از روزنامه	۴۳/۷	۴۱/۷	۱۰/۰	۱/۸	۱/۳	۰/۵	۱/۰	۱۰۰
میزان استفاده‌ی روزانه از مجله-های مختلف	۳۷/۳	۳۹/۶	۱۲/۵	۳/۱	۰/۸	۱/۹	۴/۹	۱۰۰
میزان استفاده‌ی روزانه از رادیو(داخلی)	۴۴/۸	۲۶/۹	۱۳/۸	۶/۹	۱/۳	۲/۶	۳/۸	۱۰۰
میزان استفاده‌ی روزانه از رادیو(خارجی)	۷۱/۹	۱۰/۲	۳/۶	۰/۳	۰/۸	۱/۳	۱۲/۰	۱۰۰
میزان استفاده‌ی روزانه از تلویزیون داخلی	۱۰/۰	۱۹/۴	۱۸/۷	۱۷/۴	۱۳/۰	۱۹/۴	۲/۰	۱۰۰
میزان استفاده‌ی روزانه از اینترنت	۳۲/۲	۲۵/۶	۱۷/۱	۸/۷	۳/۶	۹/۷	۳/۱	۱۰۰
میزان استفاده‌ی روزانه از ماهواره	۴۲/۲	۹/۵	۱۱/۰	۱۰/۲	۵/۶	۱۸/۴	۳/۱	۱۰۰
میانگین کل استفاده از رسانه‌های جمعی	۴۰/۳	۲۴/۷	۱۲/۳	۶/۹	۳/۷	۷/۶	۴/۲	۱۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

یافته‌های استنباطی پژوهش

جهت سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تحقیق از نتایج ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است، نتایج نشان داد که:

- بعد احساس خود در ارتباط با طبیعت، تنها با بعد صداقت بین شخصی سرمایه‌ی اجتماعی رابطه دارد که این رابطه هم به صورت ضعیف (۰/۱۵۷) می‌باشد. رابطه‌ی بعد احساس خود در ارتباط با طبیعت با سرمایه‌ی اجتماعی در حالت کلی معنادار نیست.

- رابطه‌ی بین دیدگاه جهانی نسبت طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با دو بعد ارتباط با مردم و سرمایه‌ی اجتماعی کل معنادار است. معناداری به ترتیب برای این متغیرها ۰/۳۵۱ و ۰/۱۸۶ است که اولی رابطه‌ای با شدت متوسط و دومی رابطه‌ای ضعیف است. معنای این همبستگی این است که با افزایش ارتباط با مردم و نیز افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، دیدگاه جهانی فرد در محافظت از طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بیشتر می‌شود و برعکس. هر دوی این متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار آمده‌اند.

- رابطه‌ی بین دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با سایر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی(اعتماد به نزدیکان، اعتمادنهادی، و صداقت بین شخصی) معنادار نیست.

- رابطه‌ی میزان بعد فیزیکی ارتباط با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با تمامی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی معنادار است. این معناداری در حالت کلی ضعیف رو به متوسط است و همچنین رابطه‌ی مستقیم است، یعنی با افزایش در هر یک از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی، ارتباط فیزیکی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه افزایش می‌یابد. عکس این نیز صادق است.

- بعد اقدام عملی در جهت حفظ طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با دو بعد سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی معنادار دارد. این دو بعد ارتباط با مردم(با شدت رابطه‌ی ۰/۲۸۲) و اعتماد به نزدیکان(با شدت رابطه‌ی ۰/۱۱۷) می‌باشند. یعنی هرچه ارتباط با مردم بیشتر شود، گرایش به اقدامات عملی در حفظ دریاچه بیشتر می‌شود و نیز با افزایش اعتماد به نزدیکان، اقدامات عملی در حفظ دریاچه افزایش می‌یابد. عکس این رابطه نیز صادق است. همچنین این بعد از ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با سرمایه‌ی اجتماعی در حالت کلی، دارای ارتباطی ضعیف و مستقیم می‌باشد(۰/۱۸۲).

- متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در حالت کلی با متغیر سرمایه‌ی اجتماعی دارای شدت رابطه‌ی ۰/۲۷۵ است که رابطه‌ای با شدت رو به متوسط است. همچنین جهت این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

رابطه مستقیم است. یعنی با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه نیز افزایش می‌یابد و برعکس(جدول شماره ۶).

جدول شماره‌ی شش- آزمون همبستگی بین متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	احساس خود	دیدگاه جهانی	بعد فیزیکی	اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه	ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه(مجموع چهار مؤلفه)
ارتباط با مردم	۰/۰۹۶***	۰/۳۵۱**	۰/۲۷۴**	۰/۲۸۲**	۰/۳۹۳**
اعتماد به نزدیکان	۰/۰۳۷***	۰/۰۹۲***	۰/۱۴۲**	۰/۱۱۷*	۰/۱۵۷**
اعتماد نهادی	-۰/۰۵۱***	۰/۰۵۵***	۰/۱۸۷**	۰/۰۹۴***	۰/۱۳۶*
صداقت بین شخصی	۰/۱۵۷**	۰/۰۷۸***	۰/۱۳۱*	۰/۰۱۴***	۰/۱۴۲*
سرمایه‌ی اجتماعی کل	۰/۰۳۵***	۰/۱۸۶**	۰/۲۷۹**	۰/۱۸۲**	۰/۲۷۵**

: معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ *: معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ *: عدم معنی‌داری

متغیر آگاهی از حقوق شهروندی به جز با بعد احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه(شدت رابطه‌ی ضعیف و مستقیم ۰/۱۱۹)، با هیچ یک از ابعاد ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه دارای همبستگی نمی‌باشد و نیز رابطه‌ی مجموع ۴ مؤلفه‌ی ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با متغیر آگاهی از حقوق شهروندی معنی‌دار نیست(جدول شماره ۷).

جدول شماره‌ی هفت- آزمون همبستگی بین متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	احساس خود	دیدگاه جهانی	بعد فیزیکی	اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه	ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه(مجموع چهار مؤلفه)
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۱۱۹*	-۰/۰۱۸***	-۰/۰۷۶***	-۰/۰۳۵***	-۰/۰۴۲***

: معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ *: معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ *: عدم معنی‌داری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

براساس نتایج به‌دست‌آمده، متغیر رسانه با هیچ یک از ابعاد ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه دارای همبستگی نمی‌باشد و نیز رابطه‌ی مجموع این مؤلفه‌ها (ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه) با متغیر رسانه معنی‌دار نیست. یعنی رابطه‌ای بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه وجود ندارد (جدول شماره ۸).

جدول شماره‌ی هشت- آزمون همبستگی بین متغیر رسانه و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	احساس خود	دیدگاه جهانی	بعد فیزیکی	اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه	ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه(مجموع چهار مؤلفه)
میزان استفاده از رسانه	۰/۰۲۲***	۰/۰۲۸***	-۰/۰۰۶***	۰/۰۰۸***	۰/۰۱۳***

: معنی‌داری در سطح ۰۱/ *: معنی‌داری در سطح ۰۵/ *: عدم معنی‌داری

نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره

تحلیل رگرسیون چند متغیره، روشی برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات متغیر وابسته می‌باشد. در واقع رگرسیون چند متغیره، علاوه بر پیش‌بینی یک متغیر وابسته از طریق دو یا چند متغیر مستقل، به تبیین واریانس متغیر وابسته نیز می‌پردازد (غیاثوند،۱۹۹:۱۳۸۷). نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه در تحقیق حاضر چنین است:

- رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته(ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه) تحقیق، براساس جدول آنالیز واریانس یک‌طرفه، با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده(۰/۰۰۰)، خطی می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی این است که مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه را تبیین کنند و به عبارتی مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. استقلال خطاها نیز با توجه به دوربین واتسون حاصله(۱/۷۵)، به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های لازم جهت انجام تحلیل رگرسیونی نیز مورد تأیید واقع شده است. همچنین پیش‌فرض عدم هم خطی متغیرهای مستقل نیز با توجه به مقادیر شاخص تولرانس[1] (نزدیک به عدد یک) و شاخص تورم واریانس[2] (کوچک‌تر از عدد ۲/۵)، به تأیید رسیده است.

[1] Tolerance
[2] Variance Inflation Factor

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

– مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده R2 برابر ۰/۲۴۹ می‌باشد که بیانگر این است که متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیونی، توانسته‌اند ۲۴ درصد از تغییرات متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه را تبیین نمایند(جدول شماره ۹).

جدول شماره‌ی نه- آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	بتا	کمیت t	Tolerance	Vif	سطح معنی داری	آنالیز واریانس		ضریب همبستگی چندگانه	۰/۵۵۶
						کمیت F	سطح معنی- داری		
سن	۰/۲۷۷	۳/۹۴	۰/۹۹۴	۱/۱۲	۰/۰۰۰	۱۳/۷۲	۰/۰۰۰	ضریب تبیین	۰/۲۵۸
سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۱۸۸	۲/۵۲	۰/۸۶۲	۱/۳۲	۰/۰۰۰			ضریب تبیین اصلاح شده	۰/۲۴۹
اشتباه معیار برآورد: ۰/۴۷۳					کمیت دوربین واتسون: ۱/۷۵				

بحث و نتیجه‌گیری

دریاچه‌ی ارومیه بزرگ‌ترین دریاچه‌ی خاورمیانه، دومین دریاچه‌ی حاوی آب شور جهان و بزرگ‌ترین مکان زندگی آرتمیا در جهان می‌باشد که بنا به گفته‌ی کارشناسان و آمار و ارقام موجود در این زمینه، در معرض خطر خشک‌شدن می‌باشد. این بحران در حالی روی می‌دهد که در زمان حاضر و بعد از شروع عصر صنعتی‌شدن بشر اکوسیستم کره‌ی زمین توسط دستکاری‌های بشر دچار اختلال شده است و انسان‌ها روز به روز با هوس بیشتر به استفاده از منابع کره‌ی زمین روی آورده‌اند. مصرف بیش از حد منابع کره‌ی زمین در عصر حاضر توسط انسان جدید متولدشده و با هویت مصرف‌گرای بعد از عصر مدرن‌شدن، ضربه‌ی بزرگی به طبیعت زده و می‌زند. این ضربه‌های ناشی از نیازهای واقعی یا کاذب انسان عصر مدرن، هر یک می‌تواند بحران‌هایی را به وجود آورد که بحران فعلی دریاچه‌ی ارومیه یکی از آن‌هاست، حال که این بحران به وجود آمده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

است، چنین به نظر می‌رسد که نیاز به مدیریت و ایفای نقش مردم دارد در سطح کنش فردی و جمعی دارد. چرا که با غایب فرض‌کردن مردم در این پروسه، نیروی عظیمی به فراموشی سپرده می‌شود که توان تأثیرگذاری زیادی بر پروسه‌ی احیای دریاچه می‌تواند داشته باشد. تحقیق حاضر بر فرض توان تأثیرگذاری مردم منطقه‌ی اطراف دریاچه در سرنوشت دریاچه‌ی ارومیه استوار شده است و بر این اساس به مطالعه‌ی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ارتباط و پیوستگی شهروندان با این دریاچه پرداخته شده است. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های همبستگی تأیید کننده‌ی بحث‌های تئوریک و نتایج تحقیقات پیشین در تحقیق حاضر می‌باشد. برای رسیدن به این هدف و این‌که چه عواملی بر ارتباط و پیوستگی مردم با دریاچه‌ی ارومیه نقش دارد، از تئوری‌های سرمایه‌ی اجتماعی و حقوق شهروندی و نیز پیشینه‌های تجربی مربوط به استفاده از رسانه‌های جمعی استفاده شد که نتیجه‌ی بحث‌های تئوریک در رابطه با بررسی‌های تجربی چنین است:

بوردیو، کلمن و پاتنام معتقدند که سرمایه‌ی اجتماعی بر روی رفتار و نگرش افراد تأثیر دارد. بوردیو در تحقیقی تجربی، نشان داد که میان جایگاه‌های اجتماعی و تمایلات عاملانی که این جایگاه‌ها را اشغال می‌کنند، همبستگی شدیدی وجود دارد. کلمن و پاتنام نیز در بحث‌های خود این امر را برجسته کرده‌اند که سرمایه‌ی اجتماعی از طریق تسهیل کنش‌ها از طریق شبکه‌های روابط و اعتماد، بر رفتار و نگرش افراد تأثیر دارند. در چهارچوب تئوریکی تحقیق به طور مفصل در قسمت مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی در این فصل توضیح داده شد که سرمایه‌ی اجتماعی(به ویژه سرمایه‌ی اجتماعی محیط زیستی) در مدیریت پیامدهای منفی زیست‌محیطی می‌تواند نقش داشته باشد و نیز در قسمت پیشینه‌ی تجربی هم تحقیقات اشخاصی مثل عقیلی و همکاران(۱۳۸۸)، صالحی و امام قلی(۱۳۹۰) نشان می‌دهد که بین سرمایه‌ی اجتماعی با رفتارهای مسئولانه‌ی زیست‌محیطی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به نظر آن‌ها برای ترویج و توسعه‌ی رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست باید سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن به‌ویژه اعتمادنهادی، عضویت در نهادهای مدنی و شبکه‌ی روابط بین گروهی تقویت شود. توحیدی نیا (۱۳۸۸) به بحث پیرامون سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته و بیان می‌کند که ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی توسط اخلاقیات زیستی سبب می‌شود پیامدهای جانبی منفی کاهش یابد. سپس چگونگی اثربخشی سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی بر اجتماع را برای کاهش پیامدهای جانبی منفی شرح می‌دهد. گلاریز بوناویستا (۱۹۹۵) قدرت شبکه‌های اجتماعی از جمله عواملی هستند که انتخاب‌های خانواده‌ها را در مدیریت منابع خانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. وی در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی و نیز تقویت کنترل نیروها و مردم محلی بر منابع طبیعی کلید مدیریت پایدار منابع طبیعی می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های همبستگی تأییدکننده‌ی بحث‌های تئوریک و نتایج تحقیقات پیشین در تحقیق حاضر می‌باشد. یعنی بین سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد و تئوری سرمایه‌ی اجتماعی قابل کاربرد در جامعه‌ی مورد بررسی می‌باشد.

در زمینه‌ی رابطه‌ی بین آگاهی از حقوق شهروندی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه، از تئوری مارشال برای مشخص‌شدن ماهیت و چیستی حقوق شهروندی استفاده شد. وی سه نوع حق در ارتباط با حقوق شهروندی تشخیص داده است: حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی. در این تحقیق، حقوق اجتماعی مد نظر می‌باشد که به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مندشدن از یک حداقل استاندارد و رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. بر اساس پیشینه‌ی تجربی، داشتن آگاهی بیشتر منجر به گرایش به رفتارهای حامی محیط زیست و اعمال مسئولیت‌پذیرانه نسبت به محیط زیست می‌شود(هاینز و همکاران (۱۹۸۶–۱۹۸۷) (به عبارتی، دانش و مهارت‌ها، رفتارهای حامی زیست‌محیط را پیش‌بینی می‌کنند)(به نقل از نیزبت و همکاران، ۷۱۶:۲۰۰۹). فریک و همکاران (۲۰۰۴) نیز دانش را به عنوان پیش‌شرط ضروری در رفتار و ارتباط فرد با طبیعت در نظر می‌گیرند و معتقدند که دانش کنش– محور و دانش اثر– محور، اثر مستقیمی بر رفتار فرد در رابطه با محیط دارد، که این امر می‌تواند در مورد آگاهی از حقوق شهروندی هم صادق باشد. در مورد فرضیه‌ی رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی با ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه باید گفت که متغیر آگاهی از حقوق شهروندی جز با بعد احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه(NR-Self) که دارای ارتباط ضعیفی است، با هیچ یک از ابعاد این متغیر رابطه‌ی معناداری ندارد. بنابراین می‌توان گفت که نتایج به دست آمده از این تحقیق با پیشینه‌ی نظری و تجربی تحقیق سازگار نیست و این تئوری قابل کاربرد در جامعه‌ی مورد نظر نمی‌باشد.

همچنین بر اساس تحقیقات صورت گرفته رسانه نقش فزاینده‌ای در شکل‌گیری افکار عمومی و انتقال نگرش‌ها به افراد دارد. رسانه‌ها در متحول‌شدن نظام ارزشی جامعه و شکل‌گیری و هدایت پدیده‌های مهم فرهنگی و اجتماعی مانند سبک‌های جدید زندگی و الگوهای مصرفی نقش بسزایی دارند. به عنوان مثال، در مطالعه‌ی «محیط زیست جهانی و گسترش حلقه‌ی اخلاقی»، تحلیل ارزیابی پاسخ‌های مربوط به پرسش تأثیرات نشان می‌دهد که برنامه‌های مستند تلویزیونی بیشترین تأثیرگذاری را در گسترش آگاهی و علاقمندی زیست‌محیطی دارد. تحقیق حاضر به مطالعه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

میزان استفاده از رسانه‌ها پرداخته است و بنا به محدودیت‌های تحقیق قادر به مطالعه‌ی محتوای رسانه‌های مختلف و رابطه‌ی آن با ارتباط و پیوستگی با دریاچه‌ی ارومیه نپرداخته است. اما نتایج به‌دست‌آمده در زمینه‌ی رابطه‌ی بین میزان استفاده از رسانه‌ها با ارتباط و پیوستگی با دریاچه معنادار نیست. در پایان باید گفت که نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق با پیشینه‌ی تجربی موجود همخوان نیست. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و بحث‌های مذکور، می‌توان پیشنهادهای زیر را در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش ارائه نمود: با توجه به این که متغیر سرمایه‌ی اجتماعی در تحقیق حاضر در مدل رگرسیون در تبیین تغییرات ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه نقش زیادی داشته‌اند، لذا پیشنهاد می‌گردد که اقداماتی در جهت افزایش ارتباطات مردم با یکدیگر در فضاهای عمومی(مراسم گوناگون علمی، تفریحی، ورزشی، فضاهای عمومی مثل پارک‌ها و....) انجام شود. البته با رشد فضای مجازی، تا حدی شکل ارتباطات نیز از ارتباط فیزیکی به ارتباطات اینترنتی تغییر یافته است و شبکه‌هایی مجازی شکل گرفته است که در بیشتر موارد با سرعت بیشتر و کاراتر از شبکه‌های روابط سنتی عمل می‌کنند. اما با وجود این، شبکه‌های روابط و ارتباطات سنتی و ماقبل عصر اطلاعات، در جای خود کارکرد مناسب خود را دارند و با سرمایه‌گذاری در آن‌ها و حفظ آن روابط، می‌توان از کارکردهای مثبت آن‌ها در زمینه‌ی افزایش ارتباط و پیوستگی مردم با دریاچه‌ی ارومیه استفاده کرد.

ارتباط و پیوستگی زیاد مردم با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه یک پتانسیل بسیار قوی است و می‌توان از این نیرو به اشکال مختلف در حفاظت از این دریاچه استفاده کرد. بنابراین می‌توان گفت که همکاری مردم در سازمان‌های غیردولتی(NGO) و تبدیل انرژی‌های فردی به جمعی، می‌تواند کمک زیادی به پروسه‌ی نجات دریاچه‌ی ارومیه بکند. باید توجه داشت که شبکه‌ی ارتباطات و نحوه‌ی شکل‌یابی آن نقش مهمی در مقابله با بحران‌های زیست محیطی دارد. چرا که در جامعه‌ی انسانی با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی (شبکه‌ی روابط و نیز اعتماد و صداقت بین افراد) می‌توان نتایج بسیار بهتر و مؤثرتری به دست آورد. در این زمینه، اشاره‌ی دوباره به مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی می‌تواند روشنگر باشد. این سرمایه، نقش زیادی در ایجاد اعتماد متقابل و تفاهم بر عدم ایجاد پیامدهای منفی زیست‌محیطی و نیز تشکیل تشکل‌های حمایت از زیست‌محیط دارد. بنابراین با تقویت این سرمایه، می‌توان در حفاظت از محیط زیست به شکل مؤثرتر و کاراتری عمل کرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

منابع

۱. اجتهادی، مصطفی(۱۳۸۶) «سرمایه‌ی اجتماعی»، **پژوهشنامه‌ی علوم انسانی**، شماره‌ی ۵۳، صص ۴۰۵- ۴۱۶.

۲. امیری، میثم و رحمانی، تیمور(۱۳۸۵) «بررسی آثار سرمایه‌ی اجتماعی درون و برون‌گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران»، **دو فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی**، سال سوم، شماره‌ی ششم، صص۱۱۱- ۱۵۲.

۳. بدری گرگری، رحیم، و همکاران(۱۳۹۰) «بررسی تحلیل عاملی تأییدی و همسانی درونی مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت در دانشجویان(مقیاسی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و روانشناسی محیط زیست)»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و دوم، شماره‌ی پیاپی(۴۴)، شماره‌ی چهارم، صص ۱۹-۳۴.

۴. بری، جان(۱۳۸۰)، **محیط زیست و نظریه‌ی اجتماعی**، ترجمه‌ی حسن پویان و نیره توکلی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست.

۵. پالمر، جوی ای(۱۳۸۲) **آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم**، ترجمه‌ی علی محمد خورشید دوست، تهران: انتشارات سمت.

۶. ترکمان، فرح و سکینه، بهمن‌پور (۱۳۸۹) «نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌ی دبیرستان»، **نشریه‌ی علوم رفتاری**، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳، صص: ۹-۲۹.

۷. توحیدی‌نیا، ابولقاسم(۱۳۸۸) «سازوکار اثربخشی اخلاق در مدیریت پیامدهای جانبی منفی زیست‌محیطی»، **دو فصلنامه‌ی علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی**، سال دوم، شماره‌ی دوم، صص۱۶۷-۱۸۰.

۸. دواس ، دی .ای. (۱۳۸۶)، **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.

۹. سالارزاده امیری، نادر و حسینی، سید حسن(۱۳۸۸) «رابطه بین برخورداری از انواع سرمایه و نوع نگرش به عدالت اجتماعی»، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۴۴، ۴۹-۸۸.

۱۰. شفیعی، فاطمه، رضوانفر، احمد، حسینی، سید محمود و سرمدیان، فریدون(۱۳۸۸) «عوامل ارتباطی تاثیرگذار بر نگرش کشاورزان نسبت به به کارگیری عملیات حفاظت خاک (مطالعه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

موردی: حوزه آبخیز کرخه و دز)»، **فصلنامه‌ی علوم کشاورزی و منابع طبیعی**، سال پانزدهم، شماره‌ی ۶ (پیاپی ۶۸)، صص ۳-۱۰.

۱۱. صالحی، صادق و امام قلی، لقمان(۱۳۹۰) «مطالعه‌ی تجربی رابطه‌ی آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی(مطالعه‌ی مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج)»، **دوفصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران**، سال سوم، شماره‌ی ۱، صص ۱۲۱-۱۴۷.

۱۲. عباس‌زاده، محمد(۱۳۸۷) «**سنجش میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مرتبط با آن**»، پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

۱۳. عقیلی، سیدمحمود، غلامرضا، خوش‌فر و صالحی، صادق (۱۳۸۸) «سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شمال ایران (مطالعه‌ی موردی: استان‌های گیلان، مازندران و گلستان)»، **فصلنامه‌ی علوم کشاورزی و منابع طبیعی**، سال شانزدهم، شماره‌ی ۱، صص ۲۳۶-۲۵۰.

۱۴. علوی‌مقدم، سید محمدرضا، دلبری، اعظم سادات(۱۳۸۸) «ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان مقطع کارشناسی از موضوع مدیریت مواد زاید جامد در محیط زیست»، **نشریه‌ی فناوری آموزش (فناوری و آموزش)**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۴، صص ۳۰۹-۳۱۴.

۱۵. علیوردی‌نیا، اکبر، شارع‌پور، محمود و ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷) «سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و بزهکاری»، **پژوهش زنان**، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، صص ۱۰۷-۱۳۲.

۱۶. غیاثوند، احمد(۱۳۸۷) **کاربرد آمار و نرم‌افزار Spss در تحلیل داده‌ها**، تهران: نشر لویه.

۱۷. فیلد، جان(۱۳۸۸) **سرمایه‌ی اجتماعی**، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: انتشارات کویر.

۱۸. قاضی طباطبایی، محمود(۱۳۸۱) **تکنیک‌های خاص تحقیق**. تبریز: انتشارات دانشگاه پیام نور.

۱۹. گزارش اداره‌ی کل محیط زیست آذربایجان شرقی(۱۳۸۹) آدرس سایت: **as.doe.ir**

۲۰. محمدرضایی، شهریار و اسکافی، فردین(۱۳۸۴) «موانع و راهکارهای مشارکت کارکنان در سیستم مدیریت محیط زیستی شرکت ایران خودرو»، **محیط‌شناسی**، صص ۱۱۳-۱۲۲.

۲۱. ممتاز، فریده(۱۳۸۳) «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، **پژوهشنامه‌ی علوم انسانی**، شماره‌ی ۴۱-۴۲، صص ۱۴۹- ۱۶۰.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

۲۲. مهرورزیان، طاهره (۱۳۸۸) **حقوق شهروندی و ارتقای آن در برنامه‌ی پنجم توسعه**، گزارش معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲۳. نورالهی، طه و میری، اعظم‌السادات (۱۳۸۷) «وضعیت نظام آماری کشور در زمینه‌ی تهیه‌ی شاخص‌های توسعه‌ی هزاره: با تأکید بر آرمان اول (ریشه‌کنی فقر و گرسنگی شدید)»، **فصلنامه‌ی تأمین اجتماعی**، سال نهم، شماره‌ی بیست و نهم، صص ۱۰۵-۱۲۷.

۲۴. هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل(۱۳۹۰) «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال سوم، شماره‌ی نهم، صص ۱-۱۸.

25. Dobson, Andrew, and Eckersley, Robyn. (2006). Political Theory and the Ecological Challenge. Cambridge University Press.

26. Frick, Jacqueline; Kaiser, Florian G.; Wilson Mark. (2004). Environmental knowledge and conservation behavior: exploring prevalence and structure in a representative sample. Personality and Individual Differences**.** 37,pp 1597–1613

27. Jody L. Davis ; Jeffrey D. Green; Allison Reed. (2009). Interdependence with the environment: Commitment, interconnectedness, and environmental behavior. Journal of Environmental Psychology. 29, pp 173–180

28. Buenavista, Maria Gladys G.,(1995). Social factors influencing natural resource management in the Philippines, Virginia Polytechnic Institute and State University.

29. Frick, Jacqueline; Kaiser, Florian G.; Wilson Mark. (2004). Environmental knowledge and conservation behavior: exploring prevalence and structure in a representative sample. Personality and Individual Differences. 37,pp 1597–1613.

30. Nisbet, Elizabeth K.; Zelenski, John M.; Murphy, Steven A. (2009). The nature relatedness scale: Linking individuals' connection with nature to environmental concern and behavior. Environment & Behavior, 41, 5, PP 715-740.

31. Nisbet, Elizabeth K.; Zelenski, John M.; Murphy, Steven A. (201۰). Happiness is in our Nature: Exploring Nature Relatedness as a Contributor to Subjective Well-Being, Happiness Studies, 12, pp 303–322.

32.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]